

متن پرسش

سلام بر استاد عزیز طاهرزاده: ممنون و متشکرم که نسبت به زحمت های اینجانب نظر لطف دارید. از شما بسیار آموخته ام. استاد عزیز، آخرین راهنمایی شما در جهت توجه بیشتر به انقلاب اسلامی، برای اینجانب بسیار حیات بخش بود و سرعت زیادی حاصل شده است و به لطف خدا طرح هایی را در حال پیگیری هستم. استاد یکی از طرح ها، آماده کردن جزوه ایی تحت نام عصای موسی در جهاد تبیین است. که ان شاء الله به زودی آماده خواهد شد و قرار است از طریق پایگاه بسیج محله به ناحیه مقاومت شهر و در صورت صلاحدید آنها به ناحیه مقاومت بسیج اصفهان و تهران بفرستیم ان شاء الله. این جزوه هر وقت تکمیل شد ان شاء الله، قبل از پخش آن یک نسخه آن را به دست شما می‌رسانیم. و نظرات و اوامر شما را حتما لحاظ خواهیم کرد. چه در مباحث علمی و چه در اصل انجام این کار. استاد گرامی یکی از آن مطالب را که در کانال پیام رسان ای‌تا منتشر کرده ام را برای شما می‌فرستم. استدعا دارم متن را با کمی عنایت بیشتر بخوانید و ایراد های آن را هم مطرح فرمایید. متشکرم بنده ایی از بندگان شما سید محمد صادق موسوی. متن: عصای موسی در جهاد تبیین ۲ بسم الله الرحمن الرحیم یکی از بزرگترین شبهاتی که دامن گیر بسیاری از شیعیان نسل حاضر شده، این شبهه است که چرا رهبر معظم انقلاب و نظام اسلامی در مقابل انحرافها و فسادهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و خصوصاً مفاسد اقتصادی هزاران میلیاردی کار بزرگی انجام نمی دهند؟ چرا برخوردهای محکمی با مفسدان سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و ورزشی و اقتصادی نمی‌شود؟ همچنین شبهه وجود دارد که چرا حدود الهی، بر شراب‌خوار و زناکار و سارق و ... به همان صورت که در احکام الهی وجود دارد، در نظام اسلامی اجرا نمی‌شود و چرا گردن مفسدین اقتصادی در ملا عام زده نمی‌شود و البته هزاران شبهه دیگر. باید در نظر داشت که جواب‌های بی‌شماری، به این شبهات داده می‌شود و نمونه های فراوانی از برخوردها و سیاست ها و تصمیم گیری ها و جدیت نظام گفته می‌شود، ولی در اغلب موارد، آن جوان و نوجوان از شک و شبهه خارج نمی‌شود و همچنان در شبهه باقی می‌ماند. به ذهن اینجانب رسیده است که بنده هم در کنار سایر مجاهدان جهاد تبیین، نکاتی را مطرح کنم تا شاید بتوانیم جوانان شیعه را از شک و شبهه بیرون آوریم. در نظر بنده، اگر رهبر انقلاب و نظام اسلامی در زمان های خاصی، برخورد شدیدی با فسادها نداشته باشند و ممانعت محکمی در انجام فساد هم نکنند، نه تنها ترک فعل ایشان، خلاف شرع و عقل نیست بلکه همین ترک فعل، ناشی از عمق فهم دینی و عمق نگاه توحیدی ایشان در تدبیر و اداره جامعه دینی است. هر چند که واقعیت امر این است که هم رهبر انقلاب و هم بسیاری از مسئولان کشور، به صورت جدی در حل مسائل و مشکلات کشور

وارد می‌شوند و تلاش‌های فراوانی دارند و در بسیاری از موارد به نتیجه هم می‌رسند. برای اثبات این ادعا، مطلب زیر را با دقت بررسی فرمایید: قریب هزار سال پیش، حضرت بقیه الله الاعظم با جناب شیخ صدوق رحمه الله دستور نوشتن کتاب کمال الدین را می‌دهند. و نظر شریف و مبارک حضرت ایشان، این بوده است که در غیبت انبیاء، نکاتی از غیبت ایشان وجود دارد و باید در غیبت انبیاء تدبیر و تفکر شود. از جمله این داستانها و غیبت‌های انبیاء از قومشان، داستان غیبت ۴۰ روزه حضرت موسی علیه السلام از قوم بنی اسرائیل است. داستانی که نکات فراوانی برای امروز ما دارد. توضیح آنکه وقتی مدت ده روزه به مدت وعده شده (سی روز) اضافه می‌شود، بنی اسرائیل دچار شک و شبهه می‌شوند و به جای آنکه به جانشین معرفی شده توسط موسی رجوع کنند، فریب سامری را خورده و گوساله او را به عنوان خدا می‌پرستند. در این زمان، جناب هارون تلاش‌های فراوانی برای اصلاح بنی اسرائیل انجام می‌دهد و خطاب به آنها می‌گوید: ای قوم من بدانید که شما در فتنه افتاده‌اید. بدانید که پروردگارتان خدای بخشنده است و نه گوساله سامری. ای بنی اسرائیل مرا تبعیت کنید و امر من را اطاعت کنید. ولی گوش بنی اسرائیل بدهکار کسی نیست و از گوساله پرستی دست نمی‌کشند. در این داستان، یکی از نکات قابل توجه این است که جناب هارون بعد از تلاش‌های فراوان در جلوگیری از پرستش گوساله، برخورد محکمی با قوم خود نمی‌کند و آسیبی به گوساله نمی‌رساند و اجازه می‌دهد که بنی اسرائیل همچنان در فتنه و انحراف باشند. جناب هارون بعد از برگشت موسی و برخورد سخت او با ایشان، پرده از علت کارشان بر می‌دارد و علتی را مطرح می‌کند که آن علت هم موسی را آرام و قانع می‌کند و هم کلید فهم بسیاری از تدبیرهای پشت پرده رهبران دینی است و می‌تواند بسیاری از شبهات مربوط به جامعه دینی امروز را هم، حل کند. ایشان بعداً در جواب به موسی می‌فرماید که: من بعد از تلاش‌های فراوان، نتوانستم بنی اسرائیل را از فتنه در آورم. به همین دلیل گوساله را نابود نکردم و از پرستش آن ممانعت نکردم. چون ترسیدم در صورت مقاومت در برابر گمراهان، کار به جنگ و خونریزی برسد و تو بگویی میان بنی اسرائیل تفرقه افکندی و سخنم را در مورد اصلاح امور پاس نداشتی. با تامل در مدیریت هارون در زمان غیبت موسی، به اصول و نکات بسیار مهمی در اداره جامعه دینی می‌رسیم که دقت در آنها بسیار کارگشا است و کلید حل بسیاری از معماهاست. بسیاری از شبهه‌ها را برطرف می‌کند و بسیاری از فتنه‌ها را کور می‌کند. یکی از آن اصول این است که رهبر جامعه دینی در شرایطی مجاز است که با گوساله پرستی دیگران به جای خدا پرستی کوتاه بیاید، و ممانعت محکمی نداشته باشد، چه برسد به سایر فسادها که در درجات بسیار پایین‌تر قرار دارند. اما اینکه دقیقاً چه زمانی ممانعت محکمی با انحراف و فساد داشت و چه زمانی کوتاه آمد، حسب اصولی است که تشخیص مصداق آن به دست ولی و سرپرست جامعه است. و وظیفه امت و مردم در این جامعه اطاعت و تبعیت از آن ولی است. کما اینکه جناب هارون می‌فرماید از من اطاعت کنید و از من پیروی کنید. والسلام (همانا در داستانهای غیبت انبیاء، نکاتی از غیبت حضرت بقیه الله الاعظم وجود

دارد) barayemardanejang@

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحمدلله بسیار خوب متوجه موقعیتی هستید که ایران و انقلاب اسلامی در این تاریخ در آن قرار دارد از آن جهت که «برای آبادکردنِ دهی، نباید شهری را خراب کرد». ما در کلیت حضور تاریخی خود و در حضور جهانی‌مان بحمدلله در جایگاه مهمی قرار داریم آن هم با آینده‌ای که دشمنان ما به خوبی می‌دانند چه آینده مهمی است و اخیراً جناب آقای دکتر سعید جلیلی با نگاه خوب قرآنی خود و اشرافی که نسبت به مسائل جهانی دارند، به خوبی آن را تبیین کرده‌اند. در این‌جا است که متوجه می‌شویم حکمت واقعی که رهبر معظم انقلاب منور به آن هستند، یعنی چه. موفق باشید